احادیث طبی (منشا، حجیت و گونه شناسی)

پدیدآورده (ها) : بستانی، قاسم؛عباسی مقدم، مصطفی؛باجی، نصره
علوم قرآن و حدیث :: حدیث حوزه :: بهار و تابستان 1395 - شماره 12 (علمی-ترویجی)
از 68 تا 91
آدرس ثابت : http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1190572

دانلود شده توسط : موسسه دارالحدیث
تاریخ دانلود : 13/02/1396

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائهٔ مجلات عرضه شده در پایگاه،مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه قوانین و مقررات استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.

پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

احادیث طبی
(منشأ، حجیت و گونه‌شناسی)

تاریخ دریافت: ۹۵/۴/۱ ـ تاریخ پذیرش: ۹۵/۶/۵

قاسم بستانی *
مصطفی عباسی‌مقدم **
نصره باجی ***

چکیده

بخش قابل توجهی از میراث حدیثی مسلمانان، اعم از شیعه و اهل سنت را، احادیث مشهور به «احادیث طبّیه» تشکیل می‌دهد که مشتمل بر سفارش‌ها و دستورالعمل‌های پزشکی است. این احادیث نزد برخی متدینان، اعتبار خاصی دارد، در حالی که مأموریت ذاتی معصومان علیهم‌السلام، راهنمایی و هدایت‌گری در امور دینی است؛ ضمن این‌که عمل به برخی از این احادیث، عوارضی دارد. حال باید دید جایگاه این نوع احادیث چیست و حجیت و اعتبار آن‌ها به چه اندازه است. هم‌چنین در کنار بررسی‌های نقد الحدیثی برخی احادیث طبّیه، به ادعای «شفاء من کلّ داء» که برای بعضی چیزها ذکر شده، پرداخته شده تا معلوم گردد چنین تعبیری تا چه اندازه از ارزش پزشکی برخوردار است.

کلیدواژه‌ها: احادیث طبّیه، حجیت احادیث طبّی، گونه‌شناسی روایات پزشکی.

---

* دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز (gbostanee@yahoo.com).
** استادیار دانشگاه کاشان (abasi1234@gmail.com).
*** دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه کاشان (baji.nasra@yahoo.com).

www.noormags.ir

مقدمه

احادیث طبی و پزشکی در انواع و گونه‌های مختلف آن، حجم قابل توجهی از مجموعه احادیث شیعی و سنی را در برگرفته است؛ هم‌چنان که از دیرباز، متدینان بنا بر اعتقاد و ایمان خود، تعلّق خاطری به این احادیث از خود نشان داده و در به کار بستن مضامین آن‌ها اصرار داشته و آن‌ها را همچون دیگر احادیث معصومان علیهم‌السلام در امور عبادی، ارشادی و انذاری می‌دانند. در حال حاضر نیز مؤسساتی علمی و تحقیقاتی برای ارزیابی و تأیید محتوایی این احادیث تأسیس شده و تلاش می‌شود ضمن اثبات صحت عملی و کاربردی این احادیث، بیماران را نیز بر اساس این احادیث و دستورالعمل‌های آن درمان کنند.

با وجود این، از دوران گذشته، برخی بنا بر دلایل و معیارهای نقد حدیثی، به این احادیث از حیث سند و نیز محتوا، به دیدهٔ تردید نگاه می‌کردند و از ردّ مطلق تا ردّ مشروط و متعادل نسبت بدان موضع گرفته‌اند.

از سویی دیگر، با توجه به حجم قابل اعتنای احادیث منقول از معصومان علیهم‌السلام و صحابه در منابع و نیز کثرت نگارش‌ها در این باره، اجمالاً می‌توان پذیرفت که معصومان علیهم‌السلام دربارهٔ مباحث و مسائل پزشکی بیاناتی داشته‌اند و نفی و ردّ مطلق چنین احادیثی و اعتقاد بر جعلی بودن تمام آن‌ها، امری بسیار مشکل است؛ ویژه آن‌که اولیاء الله به منبع وحی متصل بودند و نیز امر بهداشت و تندرستی از امور بسیار مبتلا به و حساس، ولی به دور از امکانات و پیشرفت‌های مناسب بود، پذیرفتنی است که سؤالاتی از آنان در این باره صورت گرفته و در مقابل، پاسخ‌هایی داده شده باشد. اما کیفیت، کمیت، صحت صدور و نیز حجیت این نوع سفارش‌های پزشکی در حال حاضر، محلّ مناقشه است.

در این مقاله، تلاش می‌شود ضمن نگاهی به برخی موضوعات تاریخی و کلی این نوع احادیث، به ذکر، نقد و بررسی نظریات مطرح دربارهٔ منشأ و حجیت این روایت‌ها و وجوب عمل بدان‌ها بپردازد.

۱. حجیت احادیث طبی

دربارهٔ موقعیت احادیث طبی، نزد کسانی که به طور کلی، صدور آن‌ها را از معصوم قطعی می‌دانند، دو نظر وجود دارد:

www.noormags.ir

۱ـ۱. وحیانی بودن و حجیت داشتن احادیث طبی

ظاهراً غالب دانشمندان گذشته و حال مسلمان، از فریقین، برآنند که احادیث طبی همچون دیگر احادیث معصومان علیهم‌السلام، منشأ وحیانی داشته و حجیت دارند. در ادامه به برخی از این دانشمندان و نظریات آن اشاره می‌شود:

شیخ مفید رحمه‌الله می‌نویسد:

> طب، صحیح است و علم بدان ثابت و طریق آن وحی می‌باشد و علما آن را از پیامبران گرفته‌اند، چه هیچ راهی برای فهم حقیقتِ درد و دوا، مگر به سماع و توقیف نیست.[1]

ابن‌طاووس (م. ۶۶۴ق) که به راحتی می‌توان از سخنانش (در *نفس المهموم* به طور کلی)، هم‌سویی او را با شیخ مفید رحمه‌الله، بلکه اعتقاد به منشأ وحیانی بودن تمام علوم را فهمید، نقل می‌کند:

> در نامهٔ ابواسحاق طرسوسی به عبدالله بن مالک در باب معرفت اصل علم، این متن را دیدم: «إنّ الله تبارك و تعالى أهبط آدم من الجنّة و عرّفه علم كلّ شئ فكان مما عرّفه النّجوم و الطّبّ»؛ خدای تعالی آدم را از بهشت برزمین فرود آورد و همه‌چیز به او آموخت و از جمله چیزهایی که به وی آموخت، طب بود.[2]

ابن‌قیم جوزی (م. ۷۵۱ق) نیز اقوال و افعال پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در طب را متیقن، الهی، صادر از وحی و مشکات نبوی و کمال عقل می‌داند[3]؛ هم‌چنان‌که سبکی (م. ۷۷۱ق) و نیز محشیان کتابش، مَحلّی (م. ۸۶۴ق) و بنانی (م. ۱۱۹۸ق) چنین نظری داشته‌اند.[4]

ظاهر روش محدثان نیز مؤید این نظریه است، زیرا محدثانی چون بخاری، مسلم، اصحاب سنن و...، ابوابی در احادیث طبی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله داشته و بدان‌ها همچون دیگر ابواب فقهی نگاه می‌کردند؛ برای مثال، ***صحیح بخاری*** دارای دو کتاب «الطب» و «المرض» با هشتاد باب و حدود ۱۲۰ روایت از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، ***صحیح مسلم*** دارای حدود ۱۱۲ حدیث، نسائی دارای کتابی مستقل (چاپ شده است) و نیز ***سنن ابوداود***، ***سنن ابن‌ماجه*** و

---

۱. *تصحیح اعتقادات الإمامیة*، ص۱۴۴.
۲. *فرج المهموم*، ص۲۲.
۳. *زاد المعاد*، ج۴، ص۳۰.
۴. *جمع الجوامع*، ج۲، ص۹۵، ۱۲۸،۱۲۷.

www.noormags.ir

سنن ترمذی دارای کتاب «الطب عن رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله» هستند.

البته گفته شده که مجموع احادیث طبّیهٔ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، سیصد حدیث مشتمل بر سفارش‌های پزشکی، انتخاب نوع غذا، آیین عیادت بیمار، لزوم مشورت با پزشکان و تأکید بسیار بر تمیزی و پاکی بوده که از آن، کتب «طب النبی» و مانند آن به ظهور رسید.[1]

به هر حال، آشکار است که پزشکی نزد مسلمانان به اقتضای نیاز انسانی و اجتماعی، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شده و آنان نیز سهم عظیمی در ارتقای آن داشته‌اند[2]، و انبوه احادیث طبی که احتمال صحت انتساب پاره‌ای از آن‌ها به معصوم نیز می‌رود، نشان‌گر چنین جایگاهی نزد مسلمانان است.

شایان ذکر است، ظاهراً نظر امثال شیخ مفید رحمه‌الله و ابن‌قیم، دربارهٔ اصل دانش طب و اصل احادیث طبی است، نه دربارهٔ میراث احادیث طبی موجود به طور کلی که مشتمل بر احادیث ضعیف و صحیح از حیث سند یا محتواست. لذا این دیدگاه، چه بسا و صرف‌نظر از درستی یا نادرستی آن، با نظریهٔ مربوط به مجموع احادیث طبی و اعتبارسنجی آن‌ها که نزد امثال شیخ صدوق رحمه‌الله مشاهده می‌شود (خواهد آمد)، قابل جمع است؛ بدین گونه که این نظریه، حداکثر دربارهٔ احادیثی است که صحت صدور و مضمون آن‌ها ثابت شده باشد، نه هر حدیث طبی منسوب به معصوم.

۱ـ۲. غیروحیانی بودن و عدم حجیت مطلق احادیث طبی

برخی دانشمندان اسلامی، به طور کلی منکر وحیانی و در نتیجه حجیت مطلق احادیث طبی، یعنی مواردی که صحت صدور دارند (زیرا احادیثی که صحت صدور ندارند، خودبه‌خود از بحث خارجند)، شده‌اند. از جمله قاضی عیاض (م. ۵۴۴ق)[3]، ابن‌خلدون (م. ۸۰۸ق)[4]، شاه ولی‌الله دهلوی (م. ۱۱۷۶ق)[5]، أشقر (محمد بن سلیمان، معاصر و فقیه اصولی)[6]، محمد علی بار (دانشمند و پزشک یمنی و شاغل در دانشگاه

۱. *مختصر تاریخ الطب العربی*، ج۱، ص۲۳۰ـ۲۳۱.
۲. همان، ص۲۲۹؛ *سیر أعلام النبلاء*، ج۱۰، ص۵۷.
۳. *الشفاء*، ج۲، ص۲۵۶.
۴. *تاریخ ابن خلدون*، ج۱، ص۴۹۴.
۵. *حجة الله البالغة*، ج۱، ص۲۲۴.
۶. *أفعال الرسول* صلی‌الله‌علیه‌وآله، ج۱، ص۲۴۳؛ *مدی الاحتجاج*، ج۴، ص۱۰۹ـ۱۳۲.

www.noormags.ir

ملک عبدالعزیز جده)[1]، قرضاوی (دانشمند معاصر مصری)[2]، نیازی عزالدین (از دانشمندان معاصر)[3] که به طور کلی، ضمن پذیرش صدور احادیث طبی از پیامبرﷺ، بر آنند که اقوال و افعال دنیوی پیامبرﷺ (عادیات)، از جمله تشریعات (غیرعادیات) نیست و پیامبرﷺ نیز برای تعلیم تشریعات، نه تعلیم طب و مانند آن از عادیات، آمده است و در عادیات نیز امکان خطا در اقوال ایشان هست و خطا در عادیات، نقصی در پیامبری ایجاد نمی‌کند؛ لذا اقوال و افعالش در امور طبی، حجت نبوده و اخذ بدان الزامی و واجب نیست، بلکه آن‌ها در اصل، مبتنی بر تجارب فردی بوده و سابقه نزد عرب پیش از اسلام داشته و مقصود بالعرض است که به مناسبت‌هایی از ایشانﷺ شنیده شده و حداکثر راهنمایی مردم به یکی از امور مفید دنیوی و مبتنی بر تجربهٔ محیط عربی زمان خود است و ایشانﷺ نیز هرگز ادعای پزشکی نکرده است و اصل در سنّت پیامبرﷺ، امور دینی چون ایمان به خداوند، اسما، صفات و افعالش و ایمان به فرشتگان، کتاب‌ها، پیامبران و روز قیامت و احکام مربوط حلال و حرام و انواع عبادات، معاملات و... و حجیت شرعی داشتن آن‌ها برای بندگان است، اگر از طریقی صحیح ثابت شود.

البته برخی به کل منکر آن هستند که پیامبرﷺ احادیثی در علوم، چون طب دارد و آن‌ها را تماماً جعلی به قصد تخریب دین و ایمان مردم می‌دانند[4] که با توجه به حجم قابل توجه این احادیث و وجود آن‌ها در میراث حدیثی فریقین و منابع کهن حدیثی معتبر، نمی‌توان چنین نظری را پذیرفت.

۱ـ۳. ادلهٔ مخالفان و موافقان حجیت و وحیانی بودن احادیث طبی

ادلهٔ موافقان

موافقان، علاوه بر دلیل عدم توانایی آدمی بر کشف نسخه‌ها و رهنمودهای پزشکی و از علوم دینی دانستن آن‌ها (که ذکر شد)، دلایل ذیل را نیز متذکر می‌شوند:

ـ آیات دالّ بر وحیانی بودن قول پیامبرﷺ؛ مانند: ﴿وَ مَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَى، إِنْ هُوَ إِلَّا

۱. *خلق الإنسان*، ص۳۸۴.
۲. *السنة مصدر للمعرفة و الحضارة*، ص۶۶ـ۶۷.
۳. *دین السلطان (البرهان)*، ص۵۲۳.
۴. همان.

www.noormags.ir

وَحْیٌ یُوحَی، عَلَّمَهُ شَدِیدُ الْقُوَی﴾[1] که نسبت به قول پیامبرﷺ عمومیت دارد، طبّ نبوی صادر از وحی خواهد بود.

ـ ماهیت اجتهاد پیامبرﷺ که بالفرض قائل بودن به آن در اموری که تهی از خطا، خواه در امور دنیا و خواه در امور آخرت، است.

ـ تأیید دانش روز نسبت به صحت طب نبوی.[2]

ادلهٔ مخالفان

مخالفان، علاوه بر انتقاد به صحت سند و محتوای برخی از این احادیث و نیز از عادیات دانستن این نوع احادیث (که پیش‌تر ذکر شد)، عموماً به ادلهٔ ذیل نیز استناد می‌کنند:

ـ **تأکید قرآن بر بشر بودن پیامبرﷺ:** ﴿قُلْ إنّما أنا بَشَرٌ مِثْلُکُمْ یوحَی إلَیَّ.﴾[3]

ـ **لزوم مشورت پیامبرﷺ:** ﴿وَ شَاوِرْهُمْ فِی الْأَمْرِ﴾[4] که دربارهٔ امور دنیوی است. نقل شده است:

> حباب بن منذر در غزوهٔ بدر به پیامبرﷺ می‌گوید: آیا خداوند به شما فرمان داده که این‌جا فرود بیایید؟ ایشان می‌فرمایند: «نه، این نظر من است.» حباب می‌گوید: این‌جا مناسب نیست. برخیز تا به نزدیک‌ترین محل به آب‌های قوم برویم و آن‌جا فرود آمده و سپس چاه‌های آب پشت سر خود را پر می‌کنیم و بر آن آب، حوضی ساخته و پرآبش می‌کنیم. ما با آن‌ها می‌جنگیم و می‌نوشیم، ولی آن‌ها نمی‌نوشند. پیامبرﷺ فرمود: «نیکو گفتی.» و همان کار را فرمان داد تا انجام دهند.[5]

یا نقل شده: هنگامی که ایشانﷺ می‌خواست بر یک‌سوم محصولات مدینه با دشمنش در غزوهٔ خندق مصالحه کند تا برگردند، با انصار مشورت کرد و آن‌ها بر جنگیدن نظر دادند و ایشانﷺ از نظر خود عدول کردند.[6]

ـ **احادیث و سیره؛ مانند حدیث «تأبیر نخل»:** نقل شده:

---

۱. نجم: ۵۳.

2 /۱۱۰۴۹/ .http: //majles.alukah.net/t.

۳. کهف: ۱۱۰؛ فصلت: ۶ و نیز: ابراهیم: ۱۱؛ اسراء: ۹۳.

۴. آل‌عمران: ۱۵۹.

۵. *تاریخ الامم*، ج۲، ص۱۴۴.

۶. همان، ص۲۳۸.

www.noormags.ir

پیامبرﷺ وقتی به مدینه مهاجرت کرد، اهالی آن‌جا را دید که نخل‌ها را گشن (تأبیر و لقاح) می‌کنند. از این کار پرسید. گفتند: چنین می‌کنیم تا محصولات ما بیشتر شود. پیامبرﷺ فرمود: «چه بسا بهتر باشد چنین کاری نکنید!» پس آنان دست از این کار کشیدند و آن سال، تولید کم شد و هنگامی این مطلب را نزد ایشانﷺ متذکر شدند، ایشانﷺ فرمودند: «من چیزی را گمان کردم. مرا به سبب گمانم مؤاخذه نکنید، اما اگر از چیزی از خداوند با شما سخن گفتم، پس بدان عمل کنید.»[1] یا «شما به کار دنیای خود، آگاه‌ترید.»[2] یا «من بشر هستم. اگر به چیزی از دینتان به شما فرمان دادم، بدان عمل کنید و اگر به چیزی از نظر خودم فرمان دادم، همانا من بشر هستم.»[3]

این امر نشان می‌دهد، هرچند پیامبرﷺ در امر دین، شأنی ویژه داشت، اما در امور دنیوی مذعن به داناتر از خود بوده است.

هم‌چنین از عایشه نقل شده است: «پیامبرﷺ در اواخر عمر خود، بیمار می‌شدند و مردم به عیادت ایشان می‌آمدند و داور تجویز می‌کردند و من به درمان او می‌پرداختم.»[4]

نیز از ام‌سلمه نقل شده است که پیامبرﷺ به او گفت:

من بشر هستم، و همانا شما نزدم به دادخواهی می‌آیید و چه بسا بعضی از شما در بیان دلایلش، تواناتر و بلیغ‌تر باشد. من بر اساس آنچه شنیدم، به سودش رأی بدهم. اگر به سود یکی و به زیان برادرش حکمی کردم، پس بدان عمل نکند... .[5]

بررسی ادلهٔ موافقان و مخالفان

دربارهٔ ادلهٔ دو گروه می‌توان به نکات ذیل اشاره کرد:

دربارهٔ ادله موافقان باید گفت، استناد به آیات دالّ بر وحیانی بودن سخن پیامبرﷺ توسط موافقان، نمی‌تواند استناد کاملی باشد، زیرا کسی از مخالفان، مخالف وحیانی بودن بخشی از سخنان پیامبرﷺ، یعنی بخش تشریعی و غیرعادیات و به‌خصوص قرآن، نیست و آن‌ها مصداق این آیات را سخنان غیرعادیات پیامبرﷺ می‌دانند.

هم‌چنین اثبات صحت محتوای احادیث طبی حتی اگر شامل تمام احادیث طبی

۱. *مسند ابن حنبل*، ج۱، ص۱۶۲؛ *صحیح مسلم*، ج۷، ص۹۵.
۲. *صحیح مسلم*، ج۷، ص۹۶.
۳. *شرح مسلم*، ج۱۵، ص۱۱۶؛ *مجمع الزوائد*، ج۱، ص۱۷۸ (با تعابیری نزدیک به هم).
۴. *مسند ابن حنبل*، ج۶، ص۶۷.
۵. *صحیح بخاری*، ج۸، ص۱۱۳ و نیز شبیه بدان: همان، ج۳، ص۱۰۱، ۱۱۶، ۱۱۷؛ *صحیح مسلم*، ج۵، ص۱۲۹.

www.noormags.ir

موجود باشد، نیز نمی‌تواند دلیل کاملی تلقی شود، زیرا چنین اثباتی سخن را از عادیات خارج نمی‌کند و هم‌چنین مانع استفاده از طب پزشکی به‌روز، نمی‌گردد.

دربارهٔ ادلهٔ مخالفان نیز باید گفت، اخبار دالّ بر خطا و سهو نبی، عموماً اندک و حداکثر خبر واحدند و بر اساس آن‌ها نمی‌توان به طور یقینی، تحقق سهو در پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را ثابت کرد، هرچند و شاید نظراً بتوان قائل به سهو نبی صلی‌الله‌علیه‌وآله شد و قائل شدن به سهو در نبی بنا بر استدلال‌های کلامی، به معنای تحقق قطعی و عینی آن نیست و با اثبات اولی، الزاماً دومی ثابت نمی‌شود و هم‌چنان که برخی متذکر شده‌اند، سخنان طبی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نمی‌تواند متصف به خطا و اشتباه باشد، زیرا این امر به دور از شأن و جایگاه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله که مؤید به تأییدات الهی است، می‌باشد[1] و موجب وهن نسبت به قداست سنت در بی‌ایمانان یا شکّاکان و مخالفان می‌شود.[2]

هم‌چنین احادیث جعلی، مشکوک یا محل بحث در بیان احادیث طبی، بسیارند، اما ادعای جعلی بودن تمام آن‌ها به طور مطلق، محل تأمل است، چراکه در محل خود ثابت شده که احادیث قابل توجهی وجود دارند که ضمن دارا بودن سند صحیح، از دستورات پزشکی و درمانی مفیدی برخوردارند.

گفتنی است، احادیث طبی کلاً مشتمل بر اقسام ذیل است: ۱. احکام مربوط به حفظ سلامتی؛ ۲. احکام درمانی؛ ۳. احکام مربوط به روان‌شناسی؛ ۴. احکام مربوط به سرایت بیماری و جوانب ایمانی و طبی؛ ۵. احکام مربوط به پزشکی، مانند تشریح، جنین‌شناسی و...؛ ۶. احکام اخلاقی پزشکی[3]، مانند دستور به مداوا کردن و از استفاده از دارو و طبیب[4]، هم‌چنان که خود پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله مداوا می‌شده است[5]؛ یا راهنمایی‌هایی دربارهٔ درمان و شئون بیماران، مانند اجازه دادن به زنان برای مداوا کردن مردان[6] یا عیادت بیمار[7] و نهی از درمان با خمر و کلاً محرّمات مگر در ضرورت[1] و نیز با امور خرافی مانند

۱. *صحیح بخاری*، ج۸، ص۱۱۳.
۲. *السنة مصدر للمعرفة و الحضارة*، ص۶۶-۶۷.
۳. همان، ص۲۴۱-۲۴۲.
۴. *مسند ابن حنبل*، ج۲، ص۲۲۷، ۲۲۸؛ ج۴، ص۱۶۳، ج۴، ص۲۷۸؛ *المستدرك*، ج۴، ص۱۹۷.
۵. *مسند ابن حنبل*، ج۶، ص۶۷.
۶. *صحیح بخاری*، ج۳، ص۲۲۲؛ ج۷، ص۱۲.
۷. *مسند ابن حنبل*، ج۱، ص۷۶، ۳۸۱؛ ج۳، ص۲۸، ص۱۵۱، ۲۶۷؛ *صحیح بخاری*، ج۷، ص۱۱، ۲۴؛ *صحیح مسلم*، ج۷، ص۱۵، ۱۶؛ *الکافی*، ج۲، ص۵۶۷.

www.noormags.ir

مهره[2] و افسون، طلسم جلب محبت شوهر[3] و سفارش به مسواک زدن[4] یا صدقه دادن[5] برای حفظ سلامتی. لذا به این‌گونه موارد، به خصوص موارد صحیح السند، می‌توان برای مؤمنان استناد کرد و راهنمای عمل آن‌ها باشد و به نوعی همان گونه که برخی اشاره کرده‌اند[6]، برای آن‌ها حجیت قائل شد.

۲. ارزیابی احادیث طبی و گونه‌شناسی آن‌ها

هم‌چنان که ذکر شد، عموم دانشمندان مسلمان، بر صدور احادیث طبی از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به طور کلی، اذعان دارند؛ با وجود این، از دیرباز برخی از آن‌ها برای جلوگیری از آسیب‌هایی جسمی یا معنوی (همچون انکار عصمت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمه علیهم‌السلام، وهن اسلام و احکام آن)، دربارهٔ مجموع احادیث طبی جانب احتیاط را پیشه کرده و با تحلیل سندی و محتوایی و احتمالات صدور حدیث، آن‌ها را گونه‌شناسی کرده و به اقسامی قابل قبول و غیرقابل قبول تقسیم کرده‌اند. در ادامه، نظریات دانشمندان مسلمان در این باره، نقد و بررسی می‌شود.

۲ـ۱. شیخ صدوق رحمه‌الله

چه بسا بتوان گفت، یکی از قدیمی‌ترین ارزیابی‌های احادیث طبی و تقسیم‌بندی آن‌ها بر اساس این ارزیابی، توسط شیخ صدوق رحمه‌الله صورت گرفته که خود نشان از وجود احادیث طبی مشکوک از همان دوران نخستین داشته که به جهت آثار مترتب بر کاربرد آن‌ها، انتقادهایی متوجه آن‌ها بوده است. هرچند ممکن است انتقاداتی به برخی از مبانی نقد حدیثی یا برخی از نتایج نقد حدیثی شیخ صدوق رحمه‌الله وجود داشته باشد، اما دربارهٔ ارزیابی وی از این احادیث، مخالفت مطلقی توسط متأخرین از وی (مانند شیخ مفید رحمه‌الله و علامه مجلسی رحمه‌الله)، صورت نگرفته، بلکه مواردی را نیز بدان اضافه کرده‌اند. شیخ صدوق رحمه‌الله ضمن پذیرفتن اصل ورود احادیث طبی از معصوم و صحت پاره‌ای از

---

۱. *صحیح بخاری*، ج۶، ص۲۴۸؛ *سنن ترمذی*، ج۳، ص۲۶۲؛ *المستدرک*، ج۴، ص۴۱۱.
۲. *کنزالعمال*، ج۱۰، ص۱۱.
۳. *مسند ابن حنبل*، ج۱، ص۳۸۱؛ *سنن ابن ماجه*، ج۲، ص۱۱۶۷.
۴. *الکافی*، ج۶، ص۴۹۵؛ *مسند ابن حنبل*، ج۱، ص۴، ۱۰؛ *صحیح بخاری*، ج۲، ص۲۳۴.
۵. *الکافی*، ج۴، ص۳.
۶. *افعال الرسول* صلی‌الله‌علیه‌وآله، ج۱، ص۲۴۵ به بعد.

www.noormags.ir

آن‌ها، احادیث طبی را با توجه به سند و متن، به انواع ذیل تقسیم می‌کند:

الف. احادیثی که در شرایط آب و هوایی مکه و مدینه گفته شده و استفاده از آن برای دیگر مناطق، درست نیست.

ب. احادیثی که بنا بر اطلاع امام علیه‌السلام از وضعیت سائل است، بدون توجه به محل زندگی او.

ج. احادیثی که مخالفان در کتاب‌ها وارد کرده‌اند تا تصویر مذهب را نزد مردم تخریب کنند.

د. احادیثی که راوی در آن‌ها سهو کرده است.

هـ. احادیثی که بخشی از آن‌ها درست حفظ و بخشی فراموش شده است (لذا حدیث ناقص بوده و نمی‌توان بدان استناد کرد)؛ برای مثال، آنچه دربارهٔ عسل روایت شده که: «شفاء من کل داء»، صحیح است، اما مراد شفای دردی است که از سردی ناشی شده باشد، نه هر درد و بیماری. یا آنچه در استنجا به آب سرد برای مبتلا به بواسیر[1] نقل شده که مراد، بواسیر ناشی از گرماست. یا آنچه در شفا در بادنجان ذکر شده که مراد از آن وقتی است که فرد در حال خوردن رطب باشد، نه در زمانی دیگر.[2]

البته شیخ صدوق رحمه‌الله مستندات این تقسیم‌بندی را ذکر نکرده است، مگر برای مورد اخیر که آن نیز محل تأمل است؛ به خصوص که در تمام منابع مورد مراجعه، این احادیث، به همین شکل روایت شده‌اند و هیچ تتمه‌ای که نظر شیخ صدوق رحمه‌الله را تأمین کنند، ندارند. به نظر می‌آید، شیخ صدوق رحمه‌الله بر اساس شناخت خود از واقعیت میراث حدیثی و اطلاعات و تجربیات روز خود از دانش پزشکی که ممکن است امروزه چندان معتبر نباشند و نیز عدم کارآیی بخشی از احادیث طبی، چنین قیود و شرایطی را ذکر کرده باشد و نگاهی گذرا به احادیث طبی موجود و مضامین آن‌ها، تلاش امثال شیخ صدوق رحمه‌الله در ایجاد نوعی حساسیت و احتیاط دربارهٔ این نوع احادیث را قابل درك می‌کند.

۲ـ۲. شیخ مفید رحمه‌الله

ایشان ظاهراً علاوه بر تأیید نظر شیخ خود، صدوق رحمه‌الله، در اقسامی که ذکر کرده و البته

---

۱. ر.ک: *طب الائمه*، ص۶.

۲. *اعتقادات الإمامیه*، ص۱۱۵.

www.noormags.ir

تأیید اصل احادیث طبّیه منقول، دو قسم دیگر را به شرح ذیل اضافه می‌کند که یکی از آن‌ها قابل تأمل و نقد است:

الف. گاهی مصرف دارویی که در حدیث آمده، برای منطقه‌ای و برای مرضی شفابخش باشد و برای منطقه‌ای دیگر و برای مردمی دیگر اما برای همان مرض زیان‌بخش، و چیزی برای مردمی با عادات خاصی، مفید باشد و برای دیگران با عادات متفاوتی مضر.

ب. گاهی ائمه علیهم‌السلام برخی بیماران را به استفاده از چیزی فرمان می‌دادند که مصرف آن برای آن بیمار و در زمان بیماری نه تنها شفابخش نبوده، بلکه زیان‌بخش نیز بوده، اما عملاً به آن بیمار آسیبی نمی‌رسید، زیرا آن فرد، بدون آن‌که خود بداند، از آن چیز، در زمان تن‌درستی و سلامت استفاده می‌کند، اما ائمه علیهم‌السلام از این امر که فرد نه در زمان بیماری، بلکه در زمان تن‌درستی از آن دارو استفاده می‌کند، علم داشتند. این علم، از سوی خداوند و از باب معجزه و دلیلی برای اختصاص ایشان علیهم‌السلام بدین علم و نیز خرق عادت بوده است. اما برخی مردم می‌پندارند اگر آن چیز، با وجود بیماری استفاده شود، سودمند است؛ پس اشتباه کرده و زیان می‌بینند.[1]

هرچند شیخ مفید رحمه‌الله نمونهٔ خاصی از این نوع اخیر را ارائه نمی‌دهد (برخلاف مورد قبلی که صحت آن با عقل و تجربه ثابت می‌شود و نیازی به ذکر نمونهٔ خاصی نیست) تا معلوم شود که حقیقتاً از این نوع احادیث طبی وجود دارد یا نه، و نیز نمی‌گوید چگونه چنین کاری، وقتی که مخاطب، متوجه قصد امام علیه‌السلام نشده و امام علیه‌السلام نیز توضیحی در این باره نداده (و بالتبع هیچ کسِ دیگر متوجه نخواهد شد)، بر اعجاز ولوی و حقانیت امام علیه‌السلام دلالت کند.

از سوی دیگر، چگونه می‌توان به فردی که از نسخهٔ امام علیه‌السلام استفاده کرده و آسیب بیشتری دیده یا به خانوادهٔ وی در صورت مرگش، ثابت کرد که نسخه امام علیه‌السلام درست بوده، اما برای زمان تن‌درستی نه زمان بیماری؟ بعید است کسی، چنین کاری را از امام علیه‌السلام بپذیرد و این در حالی است که فرد بیمار، وقتی نسخه‌ای می‌طلبد، منطقاً برای همان بیماری و در حال بیماری طالب آن است؛ عقلاً و شرعاً امام علیه‌السلام نمی‌تواند نسخه‌ای

۱. *تصحیح اعتقادات الامامیة*، ص۱۴۴.

www.noormags.ir

برای او بگوید که برای زمان تن‌درستی‌اش بی‌ضرر، اما برای زمان بیماری مضر باشد و بدتر از آن، مخاطبِ خود را از این امر باخبر نسازد. هرچند اگر مخاطب را از این موضوع مطلع کند، پذیرفته نمی‌شود و نقض غرض خواهد بود، زیرا اساساً حدیث طبی برای معالجهٔ درد و بیماری است و در صورت تحقق این امر می‌توان به راحتی، از اعجاز یا حداقل کرامت امام علیه‌السلام سخن گفت.

این توجیه شیخ مفید رحمه‌الله در حقیقت، نوعی نیت‌شناسی بدون قرائن قابل اتکا بوده و تمام احادیث طبی مفید و غیرمفید، بلکه مضر را حجیت می‌بخشد و همه را در یک مرتبه قرار می‌دهد و سخن از انواع حدیث طبی و نقد آن‌ها را بی‌معنا می‌کند و این، در حالی است که شیخ مفید، ظاهراً نقد و تقسیم‌بندی امثال شیخ صدوق رحمه‌الله را پذیرفته است. هم‌چنین ملاکی نیز ارائه نشده تا معلوم شود کدام نسخه را باید در سلامتی استفاده کرد و کدام نسخه را در بیماری.

۲ـ۳. علامه مجلسی رحمه‌الله

علامه نیز ظاهراً با پذیرفتن نظر شیخ صدوق و شیخ مفید و چه بسا تحت تأثیر یکی از توجیهات مفید (توجیه دوم) می‌گوید: هم‌چنین گاهی برخی داروها مناسبتی با مرض ندارند و این صرفاً به جهت امتحان و ابتلاست تا مؤمن واقعی از غیر آن متمایز شود؛ بدین گونه که اگر اولی از آن استفاده کند، شفا می‌یابد، نه به جهت خاصیت و طبع دارو، بلکه به سبب توسلی که به امام علیه‌السلام کرده و یقین و خلوصی که در پیروی از اوست؛ مانند بهره‌مندی از تربت امام حسین علیه‌السلام و تعویذات و ادعیه.[1]

در این باره باید گفت، اگر مراد آن است که امام علیه‌السلام با علم به این‌که داروی تجویزشده، هیچ مناسبتی با بیماری ندارد و صرفاً برای سنجش ایمان و اعتقاد سائل به خود است، پس این سخن، پیش از هر چیز، نیاز به مستند قطعی دارد؛ ثانیاً در این حالت، این سؤال مطرح می‌شود که: کسی که به امام علیه‌السلام ایمان ندارد، چه وجهی داشته است که از او دربارهٔ شفای دردش سؤال بکند؟ ثالثاً ظاهراً در این حالت، معقول آن است که امام علیه‌السلام با دادن دوایی مناسب، درد غیرمؤمن به خود را درمان کرده و از این طریق، او را به خود جذب نماید.

---

۱. *بحارالأنوار*، ج۵۹، ص۷۸۷۶.

www.noormags.ir

به هر حال، نتیجهٔ نهایی این سخن آن است که هر کس از احادیثی طبی استفاده کند و زیانی یا مرگی متوجه او شود، به سبب بی‌ایمانی او خواهد بود، نه امر دیگری و نهایت آن‌که هیچ حدیث طبی قابل تردید یا رد نیست، در حالی که علامه مجلسی رحمه‌الله نیز نقد و تقسیم‌بندی احادیث طبی شیخ صدوق رحمه‌الله را ظاهراً پذیرفته است.

البته چه بسا، مؤمنان با توجه به اعتقادی که به صحت احادیث طبی داشته، از آن‌ها استفاده کرده و با وجود آن‌که متناسب بیماری‌شان نبوده، اما بر اثر این تلقین، درمان یافته‌اند. اما این امر از سویی، شامل همهٔ بیماری‌ها و همهٔ اوقات نیست و از سوی دیگر، ارتباطی با قصد ائمه علیهم‌السلام در تجویز دواها به شکلی که علامه مجلسی رحمه‌الله معتقد است، ندارد و عموماً تأثیر یا عدم تأثیر دارو، به جهت تناسب و عدم تناسب آن با بیماری است، نه به جهت ایمان و عدم ایمان بیمار به پزشک. ضمناً این نوع حدیث طبی، عملاً حدیث طبیِ حقیقی و نسخهٔ پزشکیِ واقعی و قابل استفاده و نیز قابل دفاع به عنوان یک حدیث با محتوایی معتبر نخواهد بود.

برخی از اهل سنت نیز با عنایت به این‌که بین احادیث طبی، احادیث غیرمفید و غیر قابل استفاده وجود دارد، برآنند که اگر کسی، مضمون آن‌ها را از روی تبرک و ایمان استفاده کند، بهرهٔ بسیاری می‌برد، البته از جهت آثار کلمهٔ ایمان، نه از جهت خود دوا و درمان موجود در حدیث.[1] یا گفته‌اند: استفادهٔ صادقانه هر چیزی که در سنت وارد شده، مایهٔ بهره‌مندی استفاده‌کننده بوده و خداوند به سبب نیتش، زیان را از او دفع می‌کند و برعکس؛ هم‌چنان‌که موعظهٔ قرآن چنین است: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَتْكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ﴾[2] که تا شخص مؤمن نباشد، قرآن شفای دل او نخواهد شد.[3]

هرچند در پاسخ گفته شده: شکی نیست تبرک به آثار پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و استشفای بدان جایز است، اما این درمان‌های پزشکی منقول از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله از جنس آثار و جامهٔ ایشان ـ مثلاً ـ نیست که بدان‌ها استشفا شود؛ وقتی از خود پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل شده که سخنانش در این موارد، صرفاً نظر ایشان است و ممکن است اشتباهی در آن‌ها رخ دهد، دیگر

۱. *تاریخ ابن خلدون*، ج۱، ص۴۹۴.
۲. یونس: ۵۷.
۳. *فتح الباری*، ج۱، ص۱۳۹.

www.noormags.ir

استشفای بدان‌ها معنا ندارد... .[1]

۲ـ۴. نهله غروی

ایشان تصریح کرده‌اند احادیث طبی، در صورت داشتن شرایط صحت، خاص و موردی بوده و نمی‌توان آن‌ها را به تمام مردم در تمام مکان‌ها و زمان‌ها تعمیم داد.[2]

نهایت آن‌که ارزیابی‌های ذکرشده دربارهٔ احادیث طبی توسط حدیث‌شناسان قدیم و جدید، در کل، به واقعیت این نوع احادیث نزدیک‌تر است؛ به‌خصوص آن‌که وقتی در احادیث مهمِ فقهی و اعتقادی، انواع آسیب‌های سندی و متنی وارد شده، به طریق اولی، احادیث طبی که به نوعی از احادیث «من بلغ» هستند، چنین آسیب‌هایی وجود دارد. در ادامه، برای تبیین بیشتر برخی احادیث طبی بررسی شده و یادآوری می‌شود که تضعیف یا ردّ این احادیث، به مثابهٔ تضعیف یا ردّ مطلق احادیث طبی نیست.

۳. احادیث طبی در بوتهٔ نقد

پیش‌تر گفته شد که از دیرباز حدیث‌شناسان با توجه به آسیب‌های موجود در احادیث طبی از حیث سند و با ملاحظهٔ محتوای آن و تطبیقش بر واقع، تجربه و مشاهده و نیز با ملاحظهٔ ادبیات معصومان علیهم‌السلام، یکی از معیارها و قرائن نقد حدیث را «مشابهت حدیث با اقوال طبیبان و پزشکان» دانسته‌اند[3] و این معیار، خود داخل معیار اعم، یعنی معیار عدم مشابهت با سخن پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله (کلاً معصوم)[4] است. در ادامه، برخی از این احادیث و نقدهای متوجه آن ذکر می‌شود.

* از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله روایت شده است: «علیکم بالعدس فانّه مبارك یرقّق القلب و یکثّر الدّمعه قُدّس فیه سبعون نبیّاً.»[5] این حدیث مخالف حس، تجربه و قطعیات دانش پزشکی دانسته شده است[6] و گفته شده که بهترین چیزی که دربارهٔ عدس می‌توان گفت

---

۱. مدی الاحتجاج بالاحادیث النبویه: http: //cupping.khayma.com/ashgar.htm.

۲. *فقه الحدیث و روش‌های نقد متن*، ص۲۰۴.

۳. *زاد المعاد فی هدی خیرالعباد*، ص۶۴؛ *معیارهای شناخت احادیث ساختگی*، ص۴۴، ۳۰۸، ۳۱۴.

۴. *معیارهای شناخت احادیث ساختگی*، ص۳۰۲، ۳۰۸.

۵. *مسند الشامیین*، ج۲، ص۲۶۴، ج۴، ص۳۱۲؛ *کنزالعمال*، ج۱۲، ص۳۳۴.

۶. *زاد المعاد*، ص۵۱ـ۵۲؛ *الموضوعات*، ج۲، ص۲۹۴؛ *تذکرة الموضوعات*، ص۱۴۷ (با تعابیری نزدیک به هم). این حدیث نزد شیعه نیز منقول است (*الدعوات*، ص۱۴۸ـ۱۴۹؛ *عیون أخبار الرضا* علیه‌السلام، ج۱، ص۴۵؛ ...) اما به سندی بسیار ضعیف.

www.noormags.ir

این است که از حبوبات مورد علاقهٔ یهودیان است و اگر حتی یك پیامبر بدان تقدیس شده باشد، باید یکی از داروهای شفابخش باشد، چه رسد به هفتاد پیامبر؛ این در حالی است که خداوند در قرآن[1] از آن به «أدنی» یاد کرده و کسانی را که آن را بر منّ و سلوی برگزیده بودند، سرزنش نموده و آن را هم‌ردیف ثوم (سیر) و بَصَل (پیاز) قرار داده است. به هر حال، عدس مضراتی دارد، مانند تهییج سوداء، نفخ، بادهای غلیظ، تنگی نفس، افساد خون و دیگر مضرات مشهود و محسوس و این‌که احتمالاً وضاعین این حدیث، یهودیان یا مانند آن‌ها هستند که عدس را بر مَنّ (ترنجبین یا شهد نوعی گیاه) و سَلوی (مرغ بریان یا بلدرچین) ترجیح می‌دهند.[2]

نمی‌توان ادعاهای اخیر را دربارهٔ مضرات این خوردنی که ظاهراً در آن‌ها مبالغه شده، پذیرفت، اما به هر حال، تمام خوردنی‌ها، غیر از سموم، اگر به دور از افراط و تفریط و در زمان و وضعیت مناسب مورد استفاده واقع شوند، مفید بوده و ذاتاً ضرری ندارند. هم‌چنین ممکن است این حدیث، ساختهٔ افرادی باشد که دستی در تجارت عدس داشته‌اند.

* از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل شده است:

> الحجامة علی الریق أمثل و فیه شفاء و برکه و تزید فی العقل و فی الحفظ فاحتجموا علی برکه الله یوم الخمیس و اجتنبوا الحجامة یوم الاربعاء و الجمعه و السبت و یوم الاحد تحریاً و احتجموا یوم الاثنین و الثلاثاء فانه الیوم الذی عافی الله فیه أیوب من البلاء و ضربه بالبلاء یوم الاربعاء فانه لا یبدو جذام و لا برص الا یوم الاربعاء أو لیله الاربعاء.[3]

این حدیث، حجامت بر ناشتا و در آغاز روز و فقط در روز دوشنبه و سه‌شنبه را توصیه می‌کند. اما سند این حدیث تضعیف شده[4] و گفته شده که هر عاقلی قطع می‌کند که چنین سخنانی از کلام پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نیست، زیرا لبریز از رکاکت معنوی است[5] و این در حالی است که در روایتی از امام صادق علیه‌السلام، حجامت بر ناشتا چندان مفید دانسته نشده است[6] که برخلاف حدیث مورد بحث است.

---

۱. بقره: ۶۱.
۲. *زاد المعاد فی هدی خیر العباد*، ص۵۲-۵۳.
۳. *سنن ابن ماجه*، ج۲، ص۱۱۵۳، ۱۱۵۴؛ *المستدرک*، ج۴، ص۲۱۱، ۹۰۴.
۴. *میزان الاعتدال*، ج۳، ص۵۴، ۴۳۵؛ *لسان المیزان*، ج۵، ص۱۴.
۵. *منهج النقد*، ص۳۴۳.
۶. *الکافی*، ج۸، ص۲۷۳.

www.noormags.ir

هم‌چنین روایت‌های دیگری دربارهٔ نهی از حجامت به طور مطلق، در روزها و اوقات خاصی یا امر به حجامت در روزهای خاصی وارد شده‌اند که اکثر آن‌ها تضعیف یا موضوع دانسته شده‌اند.[1]

از نظر عقل و علم نیز روز و شب صرفاً ناشی از چرخش زمین به دور خورشیدند و ذاتاً دارای خواص و ماهیت ویژه‌ای نیستند؛ لذا نمی‌توان گفت که ذاتاً فلان روز موجب خوش‌بختی، شفا یا بیماری است. تعیین روزی یا روزهایی برای انجام برخی مناسك و اعمال مذهبی و عبادی، ظاهراً، نه به خصوصیات ذاتی این پدیده‌ها، بلکه به اعتبار و خواست شارع و به قصد سامان‌دهی سلوك و رفتار فردی یا جمعی مردم برمی‌گردد.

* نقل شده است:

أطعموا نساءکم فی نفاسهن التّمرفانّه من کانت طعامها فی نفاسها التّمرخرج ولدها ذلك حلیماً فانّه کان طعام مریم حیث ولدت عیسی و لوعلم الله طعاماً کان خیراً لها من التّمر أطعمها ایّاه.[2]

این حدیث نزد اهل سنت موضوع دانسته شده است[3] و ظاهراً صدر و ذیل حدیث با هم سازگار نیستند، زیرا می‌توان پذیرفت که خوردن خرما در نفاس برای زن مفید است، اما از آن‌جا که نفاس پس از زاییدن است، تولد فرزندی حلیم، در نتیجهٔ خوردن خرما در نفاس، بنا بر ظاهر حدیث، معنای محصّلی نخواهد داشت.

هم‌چنین ظاهراً خداوند به مریم علیهاالسلام فرمان داد که از خرمای درخت خرمای موجود در آن‌جا که عجالتاً بهترین غذا در آن زمان و مکان برای ایشان بوده، بخورد و این فرمان، ظاهراً مستلزم نیست که مطلقاً خرما، بهترین غذا برای زن زائو باشد؛ هرچند شکی در مفید و مغذی بودن خرما به طور کلی نیست.

* نقل شده است: «الباذنجان شفاء من کلّ داء.»[4] این حدیث مخالف با حس و مشاهده و نیز قطعیات دانش پزشکی و در نتیجه موضوع دانسته شده است[5]، بلکه

۱. *الموضوعات*، ج۳، ص۲۱۱ـ۲۱۵؛ *تذکرة الموضوعات*، ص۲۰۷ به بعد.
۲. *کنزالعمال*، ج۱۲، ص۳۴۰؛ شبیه بدان: *الکافی*، ج۶، ص۲۲ (سه حدیث).
۳. *کنزالعمال*، ج۱۲، ص۳۴۰؛ *تذکرة الموضوعات*، ص۱۵۱؛ *الموضوعات*، ج۳، ص۲۷.
۴. *الکافی*، ج۶، ص۳۷۳؛ *طب الائمه*، ص۱۳۹.
۵. *الحدیث والمحدثون*، ص۴۸۳؛ *الموضوعات*، ج۲، ص۱۰۳؛ *تذکرة الموضوعات*، ص۱۴۸.

www.noormags.ir

تصریح شده که بادنجان، بیماری‌ها را تشدید می‌کند.[1] هم‌چنان‌که سند این حدیث نزد اهل سنت، البته نه در کتب معتبر آن‌ها، مرفوع به پیامبر صلی الله علیه و آله بوده و به جهت وجود راویان دروغ‌گو و ضعیف در سند، سخت تضعیف شده است[2] و نزد شیعه نیز سند این حدیث در کتاب مذکور، به امام صادق علیه السلام با بعضی رجال مجهول یا متهم منتهی شده است.[3]

شکی نیست که دوای هر دردی بودن مثلاً بادنجان، مخالف حس و مشاهده و دانش است، ولی این‌که موجب تشدید امراض می‌گردد، خود ادعایی مخالف حس و مشاهده و قطعیات دانش پزشکی است.

علاوه بر حدیث بالا، در احادیث طبی با انبوهی از مواردی روبه‌رو می‌شویم که در آن‌ها تصریح به شفای هر درد شده است؛ مانند: حبه السوداء (سیاه‌دانه، شونیز)[4]، شکر[5]، آب گرم[6]، میوه‌ها[7]، خرما[8]، حجامت در سر[9]، حجامت به طور مطلق در ۱۷، ۱۹ یا ۲۱ روز[10]، سیب[11]، زبیب (مویز) پاک‌شده[12]، پیاز[13]، سَنا (یا سنی، قدقدك)[14]، سَنّوت (زیره)[15]، حُلْبه (شنبلیه)[16]، برجای‌مانده‌های سفره[17]، هندباء (کاسنی)[18]، آب میزاب، آب آسمان[19]، الحرمل (اسپند)[20]، اهلیلج

۱. *الحدیث و المحدثون*، ص۴۸۳.
۲. *میزان الاعتدال*، ج۱، ص۱۳۴؛ *لسان المیزان*، ج۱، ص۲۵۹.
۳. *رجال نجاشی*، ص۱۹۸.
۴. *طب الائمه*، ص۵۱، ۶۸؛ *فقه الرضا*، ص۳۴۶؛ *صحیح بخاری*، ج۷، ص۱۳، ۱۴.
۵. *فقه الرضا*، ص۳۴۶؛ *الدروس الشرعیه*، ج۳، ص۳۹.
۶. *فقه الرضا*، ص۳۴۶.
۷. همان، ص۳۴۷.
۸. *المقنع*، ص۵۴۵؛ *الدروس الشرعیه*، ج۳، ص۴۱.
۹. *طب الائمه*، ص۵۷؛ *السرائر*، ج۳، ص۱۳۹؛ *الدروس الشرعیه*، ج۳، ص۴۸.
۱۰. *المستدرک*، ج۴، ص۱۰۲.
۱۱. *الدعوات*، ص۱۵۲.
۱۲. السرائر، ج۳، ص۱۳۹.
۱۳. همان، ص۱۴۰.
۱۴. همان، ص۱۴۰؛ *المستدرک*، ج۴، ص۲۰۱.
۱۵. *سنن ابن ماجه*، ج۲، ص۱۱۴۴؛ *المستدرک*، ج۴، ص۲۰۱.
۱۶. *السرائر*، ج۳، ص۱۴۰.
۱۷. *الکافی*، ج۶، ص۳۰۰، ۳۰۱.
۱۸. *الدروس الشرعیه*، ج۳، ص۴۴.
۱۹. همان، ص۴۷ (دو مورد اخیر).
۲۰. همان، ص۴۹.

www.noormags.ir

(هلیله)[1]، البان اللقاح (شیر شتر)[2]، شیر گاو[3]، ثُفّاء (تره تیزك برّی)[4]، تَلْبینه (آشی که از سبوس، شیر و عسل می‌سازند)[5]، عسل[6] و... .

در این باره می‌توان گفت:

الف. تعداد بیش از اندازهٔ مواردی که ادعا شده کاربردشان، شفای هر دردی است، نشان از تشتت نظر در این خصوص و در نتیجه، ساختگی بودن اکثر آن‌ها بنا بر سلیقه و اهداف خاص غیردینی، مانند رونق کاسبی یک کالای خاص یا تأیید برخی افکار و اعتقادات خرافی مردم است.

ب. به‌جز شفابخشی قرآن و ادعیه نسبت به بیماری‌های معنوی و قلبی، حس و تجربه و علم، عدم شفابخشی مطلقِ دیگر موارد را ثابت می‌کند. شایان ذکر است، هم‌اکنون تقریباً خواص تمام خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها و مفید بودن هریك از آن‌ها برای نوعی یا برخی از انواع بیماری‌ها دانسته شده و در این باره کتاب‌های بسیاری نگارش شده و هم‌چنین معلوم گشته برخی دستورالعمل‌های گذشتگان دربارهٔ برخی از این خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها، تا حدودی درست بوده است، اما کسی مدعی این امر نشده که یکی از این مواد می‌تواند درمان همهٔ دردها باشد؛ ضمن این‌که با وجود این همه موارد شفابخش، دیگر نباید در میان مسلمانان و یا مردم، بیماری مشاهده شود.

خلاصه آن‌که، این نوع احادیث و موارد ذکرشده، در معنای مطلق خود، مخالف حس و مشاهده و قطعیات علم پزشکی و نیز کم و بیش با اسنادی ضعیف و در منابع غیرمعتبر حدیثی هستند.

نتیجه‌گیری

ـ با توجه به حجم موجود احادیث طبّیه و نیز اعتبار اسناد برخی از این احادیث و مؤثر بودن آن‌ها، پذیرفتنی است که گاهی از معصومین و به‌خصوص پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله دربارهٔ برخی خوردنی‌ها، آشامیدنی‌ها، مسائل بهداشتی و... سؤال کرده باشند و آنان نیز بنا بر

۱. *الدروس الشرعیه*، ج۳، ص۵۰؛ *المستدرک*، ج۴، ص۴۰۴.
۲. *طب الائمه*، ص۲۰۱؛ *الکافی*، ج۶، ص۳۳۸.
۳. *المستدرک*، ج۴، ص۱۹۶، ۳۰۴.
۴. *طب الائمه*، ج۲، ص۱۶۷.
۵. همان، ص۲۲۱.
۶. *فقه الرضا*، ص۳۴۶؛ *الکافی*، ج۶، ص۳۳۲.

www.noormags.ir

اطلاعات روز خود و چه بسا بنا بر علم نبوی و ولوی، پاسخی مناسب داده باشند.

ـ احادیث طبی نیز احادیثی هستند که باید بر اساس علم فقه الحدیث و نقد الحدیث مورد ارزیابی قرار گیرند تا صحت و سقم آن‌ها مشخص شود و هم‌چنان برخی نیز تصریح کرده‌اند اگر معارض با نتایج قطعی علم روز باشد، قطعاً حدیث دچار آسیب‌هایی شده که باید تبیین و فهم شود.[1] باید پذیرفت که احادیث طبی جعلی بسیاری وارد میراث حدیثی شده که باید علاوه بر پرهیز از آن‌ها، از انتساب آن‌ها به معصوم خودداری کرد تا موجب وهن دین و مذهب نشوند.

ـ این احادیث، در نهایت، دارای ماهیتی عبادی مانند روزه، نماز و حج نیستند، بلکه از امور عادیات و غیرعبادی و عموماً امضایی و تقریری با وضعیتی تکامل‌پذیر از حیث موضوع، یعنی دانش پزشکی هستند و بر فرض صحت صدور آن‌ها، خاص، موردی و غیر قابل تعمیم به تمام مردم در تمام مکان‌ها و زمان‌ها و ماهیتاً از عادیات هستند.

ـ بر فرض اثبات صحت صدور و صحت محتوای این احادیث، نباید آن‌ها را در مقابل دانش پیشرفتهٔ پزشکی در عرصه‌های مختلف که حاصل تلاش‌های علمی و عملی انسان‌های در طول تاریخ است، قرار داده و این پیشرفت‌ها را نادیده گرفت، بلکه عقلاً و شرعاً، درست آن است که به‌خصوص هنگام بیماری، حتی در صورت وجود نسخه‌هایی پزشکی برای آن در احادیث، به پزشک متخصص و به دانش پزشکی روز مراجعه کرد. این رویکرد، علاوه بر این‌که مبتنی بر احتیاط است، از سوءاستفاده و کاسب‌کاری برخی به نام دین و معصومان علیهم‌السلام و در نهایت، به جهت عدم اعتبار بسیاری از این احادیث یا وجود نسخه‌های بهتر و مناسبت‌تر نسبت به نسخه‌های مذکور در احادیث طبّیه، از وهن در دین جلوگیری می‌کند. به هر حال، ملاک وضعیت کنونی دانش پزشکی است، هم‌چنان که مؤسسات و نهادهای مرتبط تلاش بسیاری دارند که مضمون احادیث طبی را با دست‌آوردها دانش پزشکیِ روز مورد تأیید قرار دهند.

هم‌چنین باید یادآور شد که همه احادیث طبّیه، جنبهٔ نسخه‌نویسی نداشته، بلکه بسیاری از آن‌ها به امور اخلاقی و انسانی یا سفارش‌های بهداشتی و امور مرتبط با سلامتی می‌پردازند که ذکر و مطرح کردن آن‌ها، به‌خصوص برای متدینان، مفید و برای بهداشت جامعهٔ متدین، مؤثر است.

---

۱. *مبانی اعتبار روایات پزشکی*، ص۴۹-۵۰.

www.noormags.ir

کتاب‌نامه

ـ *إعتقادات الإمامية*، محمد بن علی صدوق، قم: کنگره مفید، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.

ـ *أفعال الرّسول صلی الله علیه و آله و دلالتها علی الأحکام الشّرعیّة*، محمد بن سلیمان أشقر، بیروت: مؤسسة الرسالة، چاپ ششم، ۱۴۲۴ق.

ـ *إکمال تهذیب الکمال فی أسماء الرجال*، علاءالدین مغلطای، تحقیق: عادل بن محمد و أسام بن إبراهیم، قاهره: الفاروق الحدیثة، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.

ـ *الاعلام*، خیرالدین بن محمود زرکلی، بیروت: دارالعلم الملایین، چاپ پانزدهم، ۲۰۰۲.

ـ *الجرح و التعدیل*، عبدالرحمن بن محمد رازی، بیروت: دار إحیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۳۷۲ق.

ـ *الحدیث و المحدثون*، محمد محمد ابوزهو، بی‌جا، دارالکتب العربی، بی‌تا.

ـ *الدروس الشرعیه*، محمد بن مکی (شهید اول)، بی‌جا، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.

ـ *الدعوات*، سعید بن هبة‌الله قطب‌الدین راوندی، تحقیق: مؤسسه الامام المهدی، بی‌جا، مؤسسه الامام المهدی، چاپ اول، ۱۴۰۷ق.

ـ *السرائر*، محمد بن ادریس حلی، تحقیق: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسین، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسین، چاپ دوم، ۱۴۱۱ق.

ـ *السنة مصدر للمعرفة و الحضارة*، یوسف قرضاوی، قاهره: دارالشروق، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.

ـ *الشفاء بتعریف حقوق المصطفی*، ابن‌موسی یحصبی قاضی عیاض، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۹ ق.

ـ *الکافی*، محمد بن یعقوب کلینی، تحقیق: علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.

ـ *الکامل فی ضعفاء الرجال*، عبدالله بن عدی، تحقیق: سهیل زکار، بیروت: دارالفکر، چاپ سوم، ۱۴۰۹ق.

ـ *المستدرک*، عبدالله حاکم نیشابوری، تحقیق یوسف عبدالرحمن مرعشلی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

ـ *المعجم الاوسط*، سلیمان بن احمد طبرانی، تحقیق: ابراهیم حسینی، قاهره:

www.noormags.ir

دارالحرمین، بی‌تا.
- *المفصل فی تاریخ العرب قبل الإسلام*، جواد علی، بیروت: دارالساقی، چاپ چهارم، ۱۴۲۲ق.
- *المقنع*، محمد بن علی صدوق، قم: مؤسسة امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
- *الموضوعات*، عبدالرحمان بن علی بن جوزی، تحقیق: عبدالرحمان محمد عثمان، مدینه: المکتبة السلفیه، چاپ اول، ۱۳۶۸ق.
- *إیضاح المکنون فی الذیل علی کشف الظنون*، إسماعیل بن محمد بغدادی، بیروت: دار إحیاء التراث العربی، بی‌تا.
- *بحارالأنوار*، محمدباقربن محمدتقی مجلسی، تحقیق: جمعی از محققان، بیروت: دار إحیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
- *تاریخ ابن‌خلدون*، عبدالرحمن بن محمد بن خلدون، بیروت: دار إحیاء التراث العربی، بی‌تا.
- *تاریخ الامم والرسل والملوك*، محمد بن جریر طبری، تحقیق: گروهی از دانشمندان، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بی‌تا.
- *تاریخ المذاهب الإسلامیة*، محمد أبوزهره، قاهره: دارالفکر العربی، بی‌تا.
- *تاریخ تمدن*، ویل دورانت و آریل دورانت، ترجمه: احمد بطحائی، احمد آرام و...، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ ششم، ۱۳۷۸.
- *تاریخ علم وفناوری*، مک کالیان و هرولد جمیز، ترجمه: عبدالحسین آذرنگ و نگار نادری، تهران: سخن، ۱۳۸۷.
- *تاریخ علوم*، پی‌یر روسو، مترجم: حسن صفاری، تهران: امیرکبیر، ۱۳۳۵.
- *تاریخ مدینة دمشق*، علی بن حسین بن عساکر، تحقیق: علی شیری، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ق.
- *تذکرة الموضوعات*، محمد طاهربن علی فتنی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
- *تصحیح اعتقادات الإمامیة*، محمد بن محمد مفید، تحقیق: حسین درگاهی، قم: کنگره مفید، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.
- *تقریب التهذیب*، احمد بن علی بن حجر عسقلانی، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ دوم، ۱۴۱۵ق.
- *جمع الجوامع*، عبدالوهاب بن علی سبکی، قاهره: مصطفی حلبی، چاپ دوم، ۱۳۵۶ق.

www.noormags.ir

ـ *حجة الله البالغة*، أحمد بن عبدالرحيم دهلوی، تحقیق: سید سابق، قاهره: دارالکتب الحدیثة، بی‌تا.
ـ *خلق الإنسان بین الطب و القرآن*، محمد علی بار، جده: الدار السعودیة، بی‌تا.
ـ *دین السلطان (البرهان)*، عزالدین نیازی، بیروت: الأهالی، چاپ اول، ۱۹۹۷.
ـ *رجال النجاشی*، احمد بن علی نجاشی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی التابعه لجامعة المدرسین بقم المشرفه، چاپ ششم، ۱۳۶۵.
ـ *زاد المعاد فی هدی خیر العباد*، محمد بن أیوب بن قیم، تحقیق: شعیب الأرناؤوط ـ عبدالقادر الأرناؤوط، بیروت: مؤسسة الرسالة ـ مکتبة المنار الإسلامیة، چاپ چهاردهم، ۱۴۰۷ق.
ـ *سرگذشت علم*، جورج سارتن، ترجمه: احمد بیرشک، تهران: کتاب گستر، چاپ دوم، ۱۳۷۶.
ـ *سنن ابن ماجه*، محمد بن یزید بن ماجه، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی، بی‌جا، دارالفکر، بی‌تا.
ـ *سنن ترمذی*، محمد بن عیسی ترمذی، تحقیق: عبدالوهاب عبداللطیف، بیروت: دارالفکر، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
ـ *سیر أعلام النبلاء*، محمد بن احمد ذهبی، تحقیق: شعیب الأرنؤوط و علی أبوزید، بیروت: مؤسسه الرساله، چاپ نهم، ۱۴۱۳ق.
ـ *سیر تمدن*، رالف لینتون، ترجمه: پرویز مرزبان، تهران: دانش، چاپ دوم، ۱۳۳۷.
ـ *شرایع الاسلام*، جعفر بن حسن محقق حلی، تحقیق: سیدصادق شیرازی، تهران: الاستقلال، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
ـ *شرح مسلم*، یحیی بن شرف نووی، بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۴۰۷ق.
ـ *صحیح بخاری*، محمد بن اسماعیل بخاری، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۱ق.
ـ *صحیح مسلم*، مسلم بن حجاج، بیروت: دارالفکر، بی‌تا.
ـ *طب الائمه*، عبدالله بن بسطام، قم: منشورات الرضی، چاپ دوم، ۱۳۶۳.
ـ *عیون أخبار الرضا* علیه‌السلام، محمد بن علی صدوق، تحقیق: مهدی لاجوردی، تهران: جهان، چاپ اول، ۱۳۷۸ق.
ـ *فتح الباری*، احمد بن علی بن حجر عسقلانی، بیروت: دارالمعرفه، چاپ دوم، بی‌تا.
ـ *فرج المهموم*، علی بن موسی بن طاووس، قم: منشورات الرضی، بی‌تا.

www.noormags.ir

ـ *فقه الحدیث و روش‌های نقد متن*، نهله غروی، تهران: دفتر نشر آثار علمی دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۹.
ـ *فقه الرضا*علیه‌السلام، علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، تحقیق: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، مشهد: المؤتمر للامام الرضا علیه‌السلام، بی‌تا.
ـ *کشف الظنون عن أسامی الکتب والفنون*، مصطفی بن عبدالله حاجی خلیفه، بغداد: مکتبة المثنی، ۱۹۴۱.
ـ *کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*، حسن بن یوسف حلی، تحقیق: حسن حسن‌زاده آملی، قم: مؤسسة نشر الإسلامی، چاپ هفتم، ۱۴۱۷ق.
ـ *لسان المیزان*، احمد بن علی بن حجر عسقلانی، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۳۹۰ق.
ـ *مجمع الزوائد*، علی بن أبی‌بکر هیثمی، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۸ق.
ـ *مختصر تاریخ الطب العربی*، کمال سامرائی، بیروت: دارالنضال، بی‌تا.
ـ *مدی الاحتجاج بالأحادیث النبویه فی الشؤون الطبّیه والعلاجیه*، محمد بن سلیمان أشقر، چهارمین همایش الطب الإسلامی در اسلام‌آباد، کویت: چاپ المنظمه الإسلامیة للعلوم الطبّیه، ۱۹۸۶.
ـ *مسند ابن‌حنبل*، احمد بن حنبل، بیروت: دار صادر، بی‌تا.
ـ *مسند الشامیین*، سلیمان بن احمد طبرانی، تحقیق: عبدالمجید سلفی، بیروت، مؤسسه الرساله، چاپ دوم، ۱۴۱۷ق.
ـ *معیارهای شناخت احادیث ساختگی*، قاسم بستانی، اهواز: رسش، ۱۳۸۶.
ـ *مکارم الاخلاق*، فضل بن حسن طبرسی، قم: منشورات الشریف الرضی، چاپ ششم، ۱۳۹۲ق.
ـ *منهج النقد عند المحدثان نشأته و تاریخه*، صلاح‌الدین بن احمد ادلبی، بی‌نا، چاپ سوم، ۱۳۴۰ق.
ـ *میزان الاعتدال*، محمد بن احمد ذهبی، تحقیق: علی محمد بجاوی، بیروت: دارالمعرفه، چاپ اول، ۱۳۸۲ق.
ـ «مبانی اعتبار روایات پزشکی»، مهدی مهریزی ـ محمد عارف حیدر قزلباش، *پژوهش‌نامهٔ علوم حدیث تطبیقی*، قم: جامعة المصطفی العالمیة، سال دوم، ش۲، بهار و تابستان ۱۳۹۴.

www.noormags.ir

- «نگارش احادیث طبی»، غلامرضا نورمحمدی، *پژوهش حوزه*، قم: معاونت پژوهش حوزه‌های علمیه، سال پنجم، ش۱۷ و ۱۸.
- مدی الاحتجاج بالاحادیث النبویه، محمد سلیمان أشقر، http: //cupping.khayma.com/ashgar.htm.
- مدی الاحتجاج بالاحادیث النبویه فی الشؤون الطبّیه و العلاجیه، سلیم بن عید هلالی، http: //majles.alukah.net/t11049/.

www.noormags.ir